

Comparative Study of Common Law and Iran's Legal System: The Extent of Validity Offered to the Closed Legal Cases in the Procedures of Extrajudicial Resolution of the Conflicts

Maryam Hadadi¹, Rasoul Maghsoud Pour², Seyyed Mohsen Hosseini Pouya³

Abstract

Field and Aims: The validity of the previously closed legal cases as a universal principle employed to avoid the reinstatement of cases to the courts and the maintenance of order is a recurring topic within the judicial systems. In contrast, the extrajudicial procedures of conflict resolution such as arbitration, mediation, reconciliation, and negotiation do not follow a unified pattern and the question that is raised in this concept is that do these procedures include the extent of the validity that is offered to a closed legal case or not? The attempt to find the answer to this question, due to the unity of the causes and the flaws that might occur in practice, has resulted in complications in the process of issuing a legal verdict in Iran, while the same provisions have resulted in a decrease to the cases that might be included within this concept in the body of the Common Law because of the impacts of the validity that was extended to these cases.

Methodology: The study at hand has been drafted within a descriptive-analytical platform.

Findings and Conclusion: The procedures of conflict resolution that occur in a conventional platform, in addition to the fact of being less costly, include a comprehensive scope of matters that can be resolved this way. In contrast, the first step in the resolution of conflicts within the judicial system of Iran is filing a lawsuit in the courts and the aforementioned methods are rarely employed in this case, only to put pressure on the parties involved within the lawsuit. The act of arbitration in the case of multiple conflicts which occur along with a verdict that has been already issued by the court is considered within the

1. Faculty of Law, The Islamic Azad University of Iran, Neyshabour Branch, Neyshabour, Iran.

2. Faculty of Law, The Islamic Azad University of Iran, Mashhad Branch, Mashhad, Iran.
Faculty of Law, The Islamic Azad University of Iran, Neyshabour Branch, Neyshabour, Iran.
maghsoudpour@gmail.com

3. Faculty of Law, The Islamic Azad University of Iran, Neyshabour Branch, Neyshabour, Iran.



realm of the extent of validity that is offered to a closed legal case. While other procedures since they are not impacted by the principles regarding the extent of the validity of the closed legal cases, such as finality of the decisions due to the requirements of its correct execution, are not included within the terms of the validity and their only advantage within the body of the Common Law is that the conflicts are therefore resolved if these procedures are observed and the judicial system is no longer required to invest its resources on these matters.

Keywords: The Validity of the Closed Legal Case, The Procedures of Extrajudicial Conflict Resolution, The Legal System within the body of the Common Law, Arbitration.

دایره‌ی شمول اعتبار امر مختوم قضایی در فرآیندهای حل اختلاف خارج از دادگاه با مطالعه‌ی تطبیقی در نظام‌های حقوقی کامن‌لا و ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی

مریم حدادی^۱

رسول مقصودپور^۲

سیدمحسن حسینی پویا^۳

چکیده

زمینه و هدف: اعتبار امر مختوم قضایی به عنوان اصل جهانی برای جلوگیری از تجدید دعاوی و حفظ نظم عمومی در رابطه با حکم قضایی، در نظام‌های حقوقی امری رایج می‌باشد. در مقابل، فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه چون داوری، میانجی‌گری، مصالحه و مذاکره مبتنی بر قاعده‌ی یکسان نبوده و این سوال مطرح شده که این فرایندها به دایره شمول اعتبار امر قضاوت شده تسری دارند یا خیر؟ پاسخ به سؤال مذکور، موجب این دستاورد شده که پیچیدگی شرایط امر قضاوت شده در ایران از حیث اتحاد سبب و موضوع معایب عملی در پی دارد، در حالی که همین شروط به عنوان اثرات اعتبار مزبور در نظام کامن‌لا باعث شدند تا مواردی را که موضوع بررسی شمول این قاعده هستند، کاهش دهد.

روش‌شناسی: روش نگارش مقاله حاضر به صورت توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: فرآیندهای حل اختلاف موصوف در نظام عرفی، علاوه بر کم‌هزینه بودن دارای گستردگی مصادیق می‌باشند. در مقابل، اولین گام برای حل و فصل اختلاف در حقوق ایران طرح دادخواست برای اقامه‌ی دعوا در دادگاه بوده و استفاده از روشهای مذکور به ندرت و گاهی به منزله‌ی اهرم فشار طرف مقابل محسوب می‌گردد. داوری با وجود اختلافات فراوان، در کنار حکم قضایی وارد گستره‌ی اعتبار امر مختوم قضایی شده، در حالی که سایر فرایندها به دلیل عدم تاثیرپذیری از اصول مورد پذیرش اعتبار امر قضاوت شده مانند قطعیت و نهایی بودن به جهت بُعد ضمانت اجرایی آن، قدرت ورود به شمول این اعتبار را نداشته و تنها مزیت آنها در نظام کامن‌لا به پایان رسیدن اختلافات به واسطه‌ی تمسک به این فرایندها و جلوگیری از تحمیل هزینه بر دستگاه قضایی است.

واژگان کلیدی: اعتبار امر مختوم، فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه، نظام حقوقی کامن‌لا، داوری.

۱. گروه حقوق، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران و گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: maghsoudpour@gmail.com

۳. گروه حقوق، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.



مقدمه

اعتبار امر قضاوت شده به عنوان یک مسأله‌ی مطرح بین‌المللی در سیستم‌های حقوقی کشورهای گوناگون مورد پذیرش واقع شده و نتیجه‌ی منطقی نهاد مزبور عدم پذیرش طرح مجدد دعوی می‌باشد که یک بار مورد رسیدگی قضایی قرار گرفته است. اصول اعتبار امر مختوم قضایی در سیستم حقوقی کامن‌لا دارای شباهت با ارکان نهاد مزبور در نظام‌های حقوقی رومی ژرمنی، مانند ایران است. وجود یک تصمیم قضایی قطعی صادر شده از دادگاه صالح، در کنار طرفین یکسان از جمله مهم‌ترین الزامات معرفی شده در سیستم حقوقی عرفی است که در سیستم قضایی ایران نیز به چشم می‌خورد؛ با این تفاوت که بحث وحدت سبب و موضوع که جزو شرایط اعتبار امر قضاوت شده می‌باشد، به عنوان اثرات اعتبار موصوف با مسأله‌ی استاپل‌ها^۱ در کامن‌لا مورد بحث واقع شده است.

در کنار رفع اختلاف از طریق رسیدگی قضایی، فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه^۲، در سیستم حقوقی کامن‌لا دارای جایگاه خاصی بوده که در بیشتر مصادیق آن تمایل و رغبت عمومی به استفاده از این روشها مشهود است. همچنین، گستردگی آن در کنار اشتیاق به روند کوتاه حل تنازع، باعث شده تا درصد قابل توجهی از اختلافات بدون استفاده از روند دادرسی دادگاه حل و فصل شود.

داوری به علت شیوع فراوان در نظام‌های متفاوت، به عنوان رایج‌ترین روش حل اختلاف خارج از دادگاه است که از ویژگی‌های خاص رأی قضایی در برخی شرایط بهره می‌برد. مذاکره، مصالحه و میانجی‌گری نیز در کنار کمیسیون‌های حل اختلافات ویژه، جزو مصادیق فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه می‌باشند که گاهی نسبت به داوری، دارای استقبال بیشتری هستند. به طور کلی، مزایای همه‌ی این روشها از حیث روند سریع حل اختلاف و عدم وجود اهرم فشار بر طرفین قابل توجه است. ولی با توجه به الزامات بیان شده در نظام کامن‌لا برای اعتبار امر مختوم قضایی، تنها رأی داوری توانسته پایای تصمیم قضایی صادر شده از یک دادگاه باشد و سایر فرایندها چون مصالحه، میانجی‌گری و مذاکره از این قدرت برخوردار نیستند.

۱. استاپل یا مانع در جایی ایجاد می‌شود که علت یا موضوع در دادرسی بعدی همان باشد که در دادرسی قبلی مورد رسیدگی قرار گرفته و بین همان اصحاب دعوا و جانشینان آنها.

۲. این فرایندها که روش‌های حل اختلاف خارج از مرجع قضایی است، به ADR معروف هستند.



در حقوق ایران نیز رأی داوری همانند نظام کامن لا، با وجود اختلافات فراوان از اعتبار امر قضاوت شده بهره‌مند است و تفاوت چشمگیر دو سیستم حقوقی، عدم شیوع مصادیق فرایندهای مذکور در ایران می‌باشد که به تبع، باعث مراجعه بیشتر طرفین دعوا به دادگاه می‌شود. همچنین، عدم اعتماد عمومی به روش‌هایی چون گزارش اصلاحی، سبب چندبرابر شدن هزینه‌ها از حیث ورود مجدد افراد به رسیدگی قضایی در ایران شده است. در حالی که گاهی در رویه‌ی قضایی همین گزارش اصلاحی به حوزه اعتبار موصوف راه یافته است.

آثار طبیعی این موضوع، به وجود آمدن نمونه‌های زیادی برای بررسی شمول اعتبار امر قضاوت شده در ایران و تحمیل هزینه‌های گزاف اقتصادی، بی‌بهره ماندن توان علمی قضایی و اختلاف رویه‌های فراوان شده است؛ چراکه بررسی اتحاد سبب و موضوع نیز چالش‌های عمده‌ای در این زمینه به وجود آورده، در حالی که در نظام کامن لا بررسی وحدت اسباب و موضوع به عنوان یک شرط، برای اعطای اعتبار امر مختوم موضوعیت ندارد.

ایجاد حس اعتماد عمومی و خودباوری برای پذیرش مزایای چشمگیر فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه، در نظام کامن لا باعث شده استفاده از رسیدگی قضایی، آخرین مسیر انتخابی طرفین برای حل و فصل موضوع اختلاف باشد، اثر اجتناب‌ناپذیر این امر نیز ذخیره توان علمی قضات در پرونده‌های مهم قضایی است. در حالی که علاوه بر معایب ذکر شده، تلف شدن انرژی مثبت سیستم قضایی در ایران از حیث بررسی شمول اعتبار امر قضاوت شده موضوع مطرح شده فعلی نسبت به دعوای سابق قابل توجه است.

۱. ماهیت و اصول اعتبار امر مختوم قضایی

۱-۱. ماهیت اعتبار امر مختوم قضایی در نظام حقوقی کامن لا و ایران

در تعریف این قاعده با تعبیر قطعی دانستن دادرسی بیان شده که هرگاه موضوعی توسط مرجع صالح مورد رسیدگی قضایی قرار گرفته باشد و تصمیم مأخوذه قطعی شود، دیگر همان طرفین یا نماینده آنها نمی‌توانند مجدداً دعوای دیگری با همان موضوع را تقاضا نمایند و این اعتبار نتیجه غیرقابل انکار سیستم دادرسی ترافعی است (مارتین و لائو، ۲۰۰۶: ۴۶۳؛



بارنت، ۲۰۰۱: ۱۴؛ باور و ترنر، ۱۹۶۹: ۱۳). که غالباً در نظام‌های گوناگون یک اصل کلی حقوقی قلمداد می‌شود (چنگ، ۱۹۷۸: ۳۳۶).

اصل مذکور از دو قاعده‌ی مهم ریشه گرفته است؛ اولین قاعده می‌گوید که هیچ کس نباید دو بار برای همان علت محاکمه شود^۱ (استوارت، ۲۰۱۶: ۱). این هدف بر پایه‌ی جلوگیری از خسارات اضافی در دادرسی مجدد و حمایت از اصحاب دعوا استوار است (وسترلند، ۲۰۱۰: ۱). دومین قاعده هم بیان می‌نماید که هدف از پایان دادن به دادرسی مصالح و منافع عمومی می‌باشد^۲ که این اصل بر اساس محافظت از سیستم قضایی و فرایند تاثیر جامعه از الزام رأی صادره در سابق نشأت می‌گیرد و علت طرح دعوا بعد از قضاوت در آن ادغام شده و زمینه‌ای برای طرح مجدد آن وجود ندارد (ونگ، ۲۰۰۵: ۵۳؛ ماینارد، ۱۹۹۴: ۴۲۷).

مبنای این عقیده در نظام کامن لاء، بر اساس احتراز از صدور آرای متعدد راجع به یک موضوع و پایان دادن به اختلافات پایه‌گذاری شده و به همین دلیل، اصل مزبور^۳ قابل اعتراض نیست، زیرا برای اطمینان از ثبات قانون و اجرای صحیح عدالت، مهم است که تصمیمات قضایی پس از اتمام کلیه حقوق تجدیدنظر قطعی تلقی شود (ماسارا، ۲۰۱۶: ۸۹).

در خصوص ماهیت اعتبار امر مختوم قضایی در سیستم حقوقی کشورهای کامن لاء، برخی آن را جزء شواهد و ادله معرفی کرده‌اند، با این توضیح که طرف دعوا به استناد چنین دلیلی می‌تواند ادعا را رد نماید (استوارت، ۲۰۱۶: ۶). تصریح به عبارت شواهد^۴ در کنار بحث اعتبار امر قضاوت شده، اشاره به این مهم دارد که طرف مقابل به عنوان یک ابزار دفاعی می‌تواند از چنین اعتباری بهره‌مند شود تا مانع ادعای مجدد گردد، یعنی استفاده از این وسیله دفاعی برای رد ادعای مطرح شده از حیث وجود مانع بر سر راه دادرسی غیر مفید، کاربرد خواهد داشت (ویس واناتان، ۱۹۶۲: ۹۴). نظریه‌ی دیگری اعتبار موصوف را یک قاعده‌ی منشعب از قانون ماهیتی معرفی نموده که برای احتراز از طرح دعاوی مجدد و بر اساس نظم عمومی پایه‌گذاری شده است، اگرچه مبنای آن را همان ابزارهای دفاعی دانسته‌اند تا طرف دیگر بر

1. maxim nemo debet bis vexari pro una et eadem causa .3
2. reipublicae ut sit finis litium
3. res judicata
4. evidence



اساس آن رسیدگی مجدد را متوقف نماید و تصمیم سابق به قوت خود باقی بماند (استوارت، ۲۰۱۶: ۶).

در حقوق ایران، در رابطه با ماهیت اعتبار امر قضاوت شده صحبت از اماره‌ی قانونی یا قاعده‌ی ماهوی شده است و در بیان تفاوت بین این دو، برخی از اساتید حقوق عقیده دارند در مواردی که حکم بر مبنای غلبه و ظهور وضع شود، مقنن می‌تواند آن را به صورت قاعده‌ی ثابت و مستقل درآورد یا کاشف و دلیل واقع خارجی قرار دهد که در صورت اول حکم قانون، قاعده‌ی ماهوی و در صورت دوم، اماره‌ی قانونی می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۳۲). این اساتید، قاعده مزبور را حاوی امر ماهوی مبتنی بر مصالح خاص اجتماعی و احتراز از آن را غیرممکن دانسته و جلوگیری از دادرسی مجدد را به دلیل نظم عمومی جامعه از جمله کارآمدترین اهداف تأثیرگذار این نهاد می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۳۳؛ مدنی، ۱۳۷۹: ۴۷۳).

در مخالفت با دیدگاه این گروه برخی عقیده دارند که اعتبار امر قضاوت شده اصل صحت و اماره‌ی قانونی مطلق می‌باشد و با توجه به بررسی آن در قانون آیین دادرسی مدنی از یک جنبه شکلی برخوردار است (متین دفتری، ۱۳۷۸: ۱۰۸؛ امامی، ۱۳۷۴: ۲۱۴). به عبارتی، دعوا در معنای حق اقدام اصحاب آن زایل شده است و مانع طرح مجدد آن می‌شود (شمس، ۱۳۸۷: ۴۳۴-۱/۴۳۵؛ مهاجری، ۱۳۸۶: ۳۶۷؛ فرخزادی، ۱۳۷۹: ۲۰۷).

به نظر می‌رسد عقیده‌ی آن دسته از حقوقدانان که اثر مستقیم این نهاد را در جلوگیری از طرح مجدد دعاوی دانسته‌اند و آن را به حوزه قواعد ماهوی تسری داده‌اند، مقرون به صحت باشد، چراکه در صورت وجود دلیل مخالف اماره‌ی قانونی باید همواره منتظر تزلزل چارچوب اعتبار موصوف بود. همین موضع نیز در سیستم حقوق عرفی با توجه به شرایط هدفمند تحقق اعتبار امر قضاوت شده، مورد پذیرش قرار گرفته است.

۱-۲. اصول اعتبار امر مختوم قضایی در نظام حقوقی کامن‌لا و ایران

در نظام کامن‌لا بجای صحبت از اصول اعتبار امر قضاوت شده، عبارت الزامات بکار رفته و مواردی مانند حکم قطعی و نهایی، مرجع قضایی صالح و طرفین یکسان بیان گردیده است. در خصوص اولین و مهم‌ترین این الزامات صحبت از یک تصمیم قضایی شده که بیان‌کننده



مسأله‌ی قانونی یا موضوعی واقعی یا هر دوی آنها می‌باشد و برای آن مصادیق متفاوتی مطرح شده است (هندلی، ۲۰۰۹: ۹؛ بارت، ۲۰۰۱: ۲۴). حتی در خصوص به رسمیت شناختن احکام خارجی و تسری دایره‌ی شمول اعتبار امر مختوم قضایی به آنها، تنها حکم قضایی خارجی از ناحیه‌ی مؤلفین مورد ارزیابی قرار گرفته و در خصوص سایر مصادیق چون آرای داوری و تصمیمات سایر مراجع، اختلاف نظرانی وجود دارد (بارت، ۱۹۹۹: ۱۰).

در توصیف حکم قضایی بیان شده که تصمیمی رسمی، عمومی و معین که توسط یک دستگاه تحت نظارت صادر گردیده و با توجه به ماهیت قطعی آن، قابلیت استناد حتی برای آنهایی که در دادرسی شرکت نداشته‌اند را دارد و این ویژگی حکم مبتنی بر خاصیت ترافیعی بودن آن است (استوارت، ۲۰۱۶: ۱؛ بارت، ۱۹۹۹: ۳۸). سپس، بحث صدور تصمیم مذکور توسط دادگاه قضایی صالح شده، که روند دادرسی را بر اساس قانون کشوری که در آن واقع می‌باشد، پیش می‌برد. به عبارتی، تصمیم قضایی از یک دادگاه صالح به رسیدگی چه دائمی و چه موقتی (مثلاً دادگاه صالح به رسیدگی در خصوص اختلافات خاص) باید صادر شود تا ملاک اعمال اعتبار امر مختوم قضایی قرار بگیرد و تفاوتی ندارد دادگاه مدنی باشد یا کیفری، بدوی یا عالی (اسچافستن، ۲۰۱۲: ۱۶؛ بارت، ۱۹۹۹: ۳۸). البته، استثنائاتی در این زمینه مطرح شده است؛ حکم دادگاههای عالی و دارای صلاحیت عمومی به این علت که دارای صلاحیت در موضوع تنازع اصحاب دعوا نبوده‌اند، باطل محسوب نمی‌شود (اسچافستن، ۲۰۱۲: ۱۶).

یکی دیگر از الزامات، قطعی و نهایی بودن حکم قضایی می‌باشد و به عقیده‌ی مؤلفان کامن لا، حکم نمی‌تواند توسط دادگاهی که آن را صادر کرده، تغییر کند و در واقع، از تاریخ صدور حکم منشاء اثر است (هندلی، ۲۰۰۹: ۳). به بیان سایر حقوقدانان قطعیت، ویژگی اصلی حکمی است که از یک مرجع صالح در جهت حل و فصل دعوی صادر شده و بر اساس آن می‌توان از اعتبار امر قضاوت شده بهره برد (بارت، ۱۹۹۹: ۱۰؛ استوارت، ۲۰۱۶: ۴). بنابراین، طرفین به اختیار خویش حق طرح مجدد دعوایی را که یک بار موضوع تصمیم قضایی قطعی قرار گرفته است، ندارند و آثار این اعتبار به واسطه موانعی چون استاپل از اقامه مجدد دعوا جلوگیری می‌کند (کرزن، ۲۰۰۲: ۳۶۸). در خصوص مصادیق احکام نهایی نیز



برخی از مؤلفین بیان کردند ادعایی که روند دادرسی نسبت به آن متوقف شده و یا ادعای رد شده بخاطر عدم انطباق با شرایط شکلی دادرسی، به عنوان حکم نهایی تلقی نمی‌گردند (سوتان، ۱۹۹۷: ۱۵).

آخرین الزامی که در خصوص اصول اعتبار امر قضاوت شده در سیستم حقوقی کامن‌لا مورد بحث واقع شده است، طرفین یکسان^۱ می‌باشد که بر پایه‌ی یکی بودن اصحاب دعوا و یا جانشین آنها در دعوای سابق و جدید تعریف شده است (ماوس کزیسکر، ۱۹۲۹: ۳۰۰؛ مارتین فراگا و سمرا، ۲۰۱۲: ۴۲۶). در توصیف طرفین دعوا بیان شده افراد یا نهادهایی که در مقام دادخواهی هستند و ویژگی اصلی آنها مشارکت فعال در دادرسی می‌باشد (هندلی، ۲۰۰۹: ۱۲). همچنین، معترض یا وارد ثالث تنها در صورتی که خواسته‌ای داشته باشند، یا حکم نسبت به آنها واجد اثر تلقی گردد، جزء طرفین دعوی محسوب می‌گردند (بارنت، ۲۰۰۱: ۱۷-۱۸).

بنابراین، اثر قاطع حکم در دادرسی بعدی با توجه به قوانین حریم خصوصی و متقابل محدود می‌شود. طرفین دادرسی تنها افرادی هستند که به قضاوت انجام پذیرفته مقید شده و به واسطه‌ی تصمیم‌گیری در موضوع دادرسی، می‌توانند از اثرات قاطع آن استفاده کنند و برای شناسایی آنها باید سابقه دادرسی مورد بررسی قرار گیرد (ماسارا، ۲۰۱۶: ۵۶).

در خصوص جانشینان اصحاب دعوا، صحبت از طبقه‌بندی بر اساس خون، دستیابی به حقوق و تعهدات طرف مقابل و بهره‌گیری از منافع شده است؛ به نحوی که بر مبنای رابطه‌ی نسبی، اجداد و وارث می‌توانند قائم مقام طرف دعوا محسوب شود، یا بر اساس ورشکستگی مدیون و جایگزین شدن داین نسبت به حقوق و تعهدات وی، طلبکار به عنوان نماینده طرف قرار بگیرد (اسچافستن، ۲۰۱۲: ۲۷).

صحبت از اتحاد موضوع دادرسی قبلی و بعدی اگرچه به صورت یک بخش کاملاً مجزا مانند حقوق نوشته در سیستم کامن‌لا مطرح نشده، لکن به همراه الزام یکسان بودن اصحاب دعوا صحبت از موضوع دادرسی قبلی و بعدی شده است. از طرفی، مسأله‌ی یکی بودن سبب و موضوع در سیستم حقوق عرفی، در بحث‌های مفصل و جداگانه تحت استاپل موضوع و

1. Same party



علت در زیر مجموعه‌ی آثار اعتبار امر مختوم مورد بررسی قرار گرفته است. همین امر باعث شده چالش‌های کمتری بر سر راه تسری دعاوی مطرح شده به شمول اعتبار مزبور وجود داشته باشد، زیرا بحث استاپل‌ها یا موانع، اثرات تحقق اعتبار امر قضاوت محسوب می‌شوند (استوارت، ۲۰۱۶: ۲).

در حقوق ایران سه شرط اصلی به عنوان اصول مورد پذیرش تحقق اعتبار امر مختوم قضایی بیان شده است که شامل اتحاد طرفین، موضوع و سبب دعوا می‌باشد. در خصوص وحدت اصحاب دعوا اتحاد قانونی مد نظر است، نه معیار مادی تشخیص طرفین دعوا (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۶۷-۱۶۹). وقتی وحدت طرفین مصداق می‌یابد که اصیل شخصاً یا توسط نماینده، هر یک از دو دعوا را اقامه نموده، یا به آن پاسخ داده و حتی اگر دو شرط دیگر وجود داشته باشد، امر مختوم قضایی به دلیل عدم وحدت اطراف دعوا مسموع نیست (شمس، ۱۳۸۷: ۱/۴۴۶؛ ۲/۳۲).

در جهت معرفی وحدت موضوع به عنوان دومین رکن اعتبار امر قضاوت شده به این مطلب تصریح شده که موضوع دعوی سابق که منتهی به صدور حکم قطعی شده است و دعوی اقامه شده جدید، باید واحد باشند (شمس، ۱۳۸۷: ۱/۴۴۷). برای تشخیص اتحاد یا اختلاف موضوع دعوا نیز بهترین معیار و ضابطه را توجه به رابطه‌ی حکم سابق و درخواست مدعی در دعوی جدید دانسته‌اند و در واقع، اتحاد مادی موضوع و حقوق مورد مطالبه هم‌ردیف با هم، به عنوان شرط پذیرش موضوع یکسان بررسی می‌شوند (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۳۶).

لذا، تفاوت مادی کفایت نمی‌کند تا بگوییم موضوع دو دعوا یکسان نیست، بلکه باید حق مورد ادعا بر موضوع خواسته هم متفاوت از دعوی سابق باشد. بنابراین، صرف یکی بودن ماهیت حق نیز نمی‌تواند باعث این شبهه شود که هر دو موضوع ممکن است یکسان باشند (شمس، ۱۳۸۷: ۱/۴۴۸؛ متین دفتری، ۱۳۷۸: ۶۱).

بحث تشخیص سبب دعوا به عنوان سومین رکن نهاد موصوف، با بیان قاعده‌ی اصلی سبب و دلایل اثبات دعوا و اقسام سبب مستقیم و باواسطه، همچنین سبب در دعوی بطلان مطرح شده است. هم‌چنین، دکتربین با نگاهی دقیق‌تر به بررسی سبب در دعوی فسخ، سقوط تعهدات و مسئولیت مدنی پرداخته و با بیان تفاوت سبب با دلیل نیز بحث اتحاد



اسباب در قضیه اعتبار امر مختوم قضایی را تکمیل کرده‌اند و عقیده دارند دلیل جدید را موقعی می‌توان از موجبات حق تجدید دعوا قلمداد کرد که سبب جدیدی را به اثبات برساند (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۵۵-۲۸۶؛ شمس، ۱۳۸۷: ۱/۴۵۱).

این تفاوت آشکار وجود دارد که دو رکن اصلی اعتبار امر مختوم قضایی از حیث وحدت سبب و موضوع در حقوق ایران، جزء الزامات و اصول اعتبار امر قضاوت شده در نظام حقوقی کامن‌لا معرفی نشده است. در واقع، بحث استاپل موضوع و علت به عنوان آثار نهاد اعتبار امر مختوم قضایی مورد بررسی سیستم حقوقی عرفی قرار گرفته، به این معنا که ممکن است در جایی مانعی در خصوص استماع دعوا پیش آید و لذا، از لحظه‌ی وجود استاپل روند رسیدگی متوقف خواهد شد و هر مانعی که بر سر راه استماع دعوا پیش آید، منجر به یکی از استاپل‌های موضوع یا سبب می‌گردد و صرف ایجاد استاپل به معنای اعتبار امر قضاوت شده نخواهد بود، لکن اگر دعوایی منتج به ایراد امر قضاوت شده گردد، لزوماً یک استاپل اثر نهایی آن اعتبار است.

۲. فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه و دایره‌ی شمول اعتبار امر مختوم قضایی به مصادیق آنها

۱-۲. فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه در نظام حقوقی کامن‌لا و ایران

فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه به عنوان مکمل واقعی قوه قضاییه در سیستم کامن‌لا معرفی و در توصیف پیشرفت روزافزون آن بیان شده که تلاش برای یافتن وسایل جدید حل اختلاف خارج از چارچوب سنتی غیرقابل توقف است (موتا و ویلار، ۲۰۱۴: ۷). این فرایندها شامل روش‌هایی است که در آن، واسطه‌ای بی‌طرف روند یک محاکمه‌ی طبیعی را با تشویق طرفین در پیش گرفته و حل اختلاف بدین وسیله بهتر از دادرسی تلقی شده است (میستلیس، ۲۰۰۳: ۳؛ اسلپر و کلی، ۲۰۱۴: ۶۲۵).

در اواخر قرن بیستم فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه بر مبنای یک سیستم داوطلبانه جهت تسهیل روند تنازع از پیچیدگی متغیر در دادرسی سنتی و ارعاب مداوم اصحاب دعوا از مرجع قضایی فاصله گرفت و جایگاه واسطه‌گری جامعه، تبدیل به میانجی‌گری ضمیمه‌ی



دادگاه یا الکترونیکی شد (میستلیس، ۲۰۰۳: ۳۷-۳۸). تسلط طرفین بر کنترل شرایط روش حل اختلاف، سرعت، استقلال، مدیریت تعارضات، و به تعبیر برخی، تشویق اصحاب اختلاف به موقعیتهای «برد-برد»، انعطاف پذیری و افزایش دسترسی به عدالت از جمله مهم ترین مزایای این فرایندها می باشد (کروکی، ۲۰۱۶: ۳۱-۳۲).

داوری، میانجی گری و مصالحه از جمله رایج ترین مصادیق فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه در نظام حقوق عرفی است که در کنار موارد دیگر چون تعیین کارشناس یا خبره و مذاکره، به عنوان روش های حل اختلاف جایگزین مطرح شده اند که البته، بکار بردن عبارت جایگزین، هم ردیف روش های حل اختلاف مذکور مورد انتقاد می باشد (کروکی، ۲۰۱۶: ۳۰؛ جکسون، ۲۰۱۰: ۳۵۵).

در سیستم حقوقی ایران، مفاهیم و مصادیق فرایندهای حل اختلاف به گستردگی سیستم کامن لا نمی باشد. به عبارت دیگر، موارد موجود در ایران تحت یک عنوان خاص جمع نشده و گاهی پراکندگی قواعد مرتبط به آنها، رسیدن به یک نتیجه گیری جامع را مشکل نموده، این در حالی است که نفع سیستم قضایی در ایجاد رغبت و تمایل افراد جامعه به حل اختلاف خارج از دادگستری می باشد (محمدی، ۱۳۹۳: ۷).

داوری یکی از عناوین مهم پذیرفته شده در سیستم حقوقی ایران و با هدف دستیابی به صلح و سازش مطابق ماده ۷۵۲ قانون مدنی ایران، مبتنی بر قواعد فقهی و آیات متعددی از قرآن کریم می باشد که به جواز رفع اختلاف به واسطه ی میانجی اشاره داشته اند. صدور گزارش اصلاحی یا رأی داوری در ایران با مبنای مشترک واسطه گری و هدف رفع اختلاف بین افراد، می تواند یک نوع فرایند حل تنازع خارج از دادگاه محسوب شود و یا در مراحل رسیدگی توسط دادگاه به عنوان یک روش حل اختلاف درخواست گردد.

۲-۲. دایره ی شمول اعتبار امر مختوم قضایی به مصادیق فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه

یکی از پرسش های مهم در رابطه با اعتبار امر قضاوت شده این است که آیا این اصل تنها در رابطه با حکم صادره از دادگاه قابل تسری است یا حل اختلاف بر مبنای فرایندهای حل



اختلاف، مانند تصمیمات داوری، مذاکره یا میانجی‌گری، مصالحه، و غیره را در بر می‌گیرد؟ آنچه از مجموع مطالب بالا به ذهن متبادر می‌شود، محدودیت نهاد اعتبار امر قضاوت شده به حکم قضایی صادره از دادگاه می‌باشد، ولی در سیستم حقوقی کامن‌لا توسعه‌ی امر مختوم قضایی به سایر پروسه‌های حل اختلاف، محل بحث و چالش بوده و انعطاف‌پذیری ملموس در تسری دایره‌ی شمول این نهاد خارج از احکام قانونی سنتی دادگاه به چشم می‌خورد. در خصوص فرایندهای حل اختلاف، دیدگاهی قائل به تمایز بین فرایندهای حل اختلاف قضایی و غیرقضایی شده است. در دسته اول از رأی قضایی، داوری، تصمیمات امور حسبی نام برده شده و دسته دوم شامل میانجی‌گری و سازش، مذاکره، آرای مراجع خاص می‌گردد. البته، در مقابل نظریاتی هم مبتنی بر این است که آرای داوری جزء فرایندهای حل اختلاف در گروه دوم محسوب شده و تنها حکم صادره از یک مرجع قضایی صالح می‌تواند در جایگاه گروه اول قرار بگیرد.

۱-۲-۲. داوری

یکی از مهم‌ترین فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه، در نظام کامن‌لا داوری می‌باشد که به نسخه‌ی خصوصی در دادرسی تعبیر شده، اگرچه رابطه بین این دو دارای تعریف صریحی نیست، لکن به عنوان ابزاری شناخته شده است که توسط جوامع مدرن و برای پیشبرد انصاف در سیستم عدالت جای می‌گیرد (موتو و ویلار، ۲۰۱۴: ۱۳؛ میستلیس، ۲۰۰۳: ۲۵). مزایای ویژه داوری شامل حفظ حریم خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی، انعطاف‌پذیری و پاسخ کارآمد، قابلیت شناسایی آرای داوری توسط دادگاه، ارزان شدن حل اختلاف نسبت به استفاده اصحاب دعوا از مراجع قضایی بیان شده است (موتو و ویلار، ۲۰۱۴: ۷). معایب آن هم در قدرت کم‌تر داوران نسبت به دادگاه، وقت‌گیر بودن و گاهی پرهزینه بودن روند حل اختلاف به روش داوری، دشواری قضاوت در مورد هویت داوران و کیفیت امر داوری توسط طرفین تنازع خلاصه می‌گردد (رکوو، ۲۰۱۰: ۱۲۴).

داوری در حقوق ایران حل و فصل اختلاف افراد بدون دخالت مراجع قضایی، صرف‌نظر از حقوق خصوصی آنها تعریف شده است (متین دفتری، ۱۳۷۸: ۷۶). البته، بنا به نظر مشهور



داوری نوعی وکالت تلقی شده که طرفین رأی داور را در خصوص اختلاف فیما بین نافذ دانسته‌اند و به دو قسم اختیاری و اجباری تقسیم می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۲۸؛ نیازی، ۱۳۹۰: ۶). نوع اجباری آن ممکن است ناشی از قانون باشد، یا منشاء قراردادی داشته و یا اینکه به درخواست طرف مقابل صورت پذیرد. اعتبار رأی داور نیز در صورتی محقق می‌شود که در حدود اختیارات وی بوده و مخالف نظم عمومی نباشد (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۳۰). بنابراین، اثر الزام‌آوری داوری نسبت به همان موضوع، از ویژگی‌های خاص آن تلقی شده که تنها در صورت موافقت طرفین از حیث تسری به اختلافات دیگر کارآیی خواهد داشت (امیر معزی، ۱۳۸۷: ۵۲۶).

همانطور که در سابق گفته شد، یکی از الزامات اعتبار امر قضاوت شده در نظام کامن‌لا، صدور تصمیم قضایی از دادگاه صالح می‌باشد و تردید در تسری اعتبار امر مختوم قضایی یا همان دکترین ادغام به موضوع داوری، از این مطلب ناشی می‌گردد که بین داوری و حکم قضایی تفاوت مؤثر وجود دارد. علت اختلاف در این است که حق مدعی و اختیارات دادگاه برای صدور حکم قضایی، از قرارداد یا توافق طرفین حاصل نمی‌گردد. حقوقدانان در خصوص وجوه تمایز این دو بیان کردند که محدودیت درخواست داوری و دشواری دستیابی افراد ثالث به رأی صادره در داوری جهت طرح استاپل‌ها و عدم اجتناب از روند طولانی حل اختلاف در داوری از جمله این اختلافات می‌باشد که موضع سیستم حقوقی کامن‌لا را از حیث بررسی این موضوع روشن می‌نماید (مونیی، ۲۰۱۸: ۴۵-۵۴).

همین اختلافات باعث شده تا روبه‌روی متفاوت و آثار عملی گوناگونی وجود داشته باشد، به نحوی که برخی عقیده دارند موضوعی که مورد رسیدگی داوری قرار می‌گیرد، باید به جهت شمول اعتبار امر قضاوت شده در مفاد رأی داوری مشخص شده باشد. از طرفی، مخالفان نیز با توجه به تأکید دکترین در خصوص وجود تصمیم قضایی از دادگاه صالح به عنوان یکی از الزامات این نهاد، اصولاً تشخیص موضوع واجد اعتبار موصوف را در صلاحیت دادگاه دانسته و بیان کردند مفاد رأی داوری این الزام را از بین نمی‌برد (زکاس، ۲۰۰۸: ۵۹).

وجود معیارهای تمایز بین حکم قضایی و رأی داور در نظام کامن‌لا باعث نشده تا مانند حقوق ایران ابهام به طور کلی وجود داشته باشد. به طور مرسوم در سیستم حقوقی کامن‌لا اثر



اعتبار امر مختوم قضایی نسبت به رأی داور پذیرفته شده که مبنای آن جلوگیری از هزینه‌ی مجدد و منافع موجود در عدم طرح دعوای مجدد می‌باشد، البته، وقتی رأی قطعی داوری قبلاً صادر شده است (روبرت، ۱۹۹۳: ۳). در حقیقت، در خصوص تسری اعتبار امر مختوم قضایی به رأی داوری نیز رویه‌ی غالب در نظام حقوقی کامن لاین است که رأی داوری اثرات اعتبار امر مختوم را ایجاد می‌کند و از همان لحظه‌ی صدور نهایی تلقی می‌گردد، زیرا در موضوع مورد اختلاف در حد اعتبار حکم تصمیم گرفته است (موتور و ویلار، ۲۰۱۴: ۱۴). این در حالی است که مؤلفان نظام مزبور به الزامات موجود در خصوص اعتبار امر مختوم نسبت به رأی داوری اشاره داشتند؛ با این توضیح که علاوه بر اتحاد اصحاب دعوا و وحدت موضوع نزاع که به موجب داوری حل و فصل می‌گردد، قطعیت رأی داوری را نیز حائز اهمیت دانسته‌اند و همین امر موضع پذیرش رأی داور را در شمول دایره‌ی اعتبار امر قضاوت شده تقویت می‌نماید (میچای برنت، ۲۰۰۵: ۳).

در حقوق ایران اگرچه نتیجه‌گیری کلی در خصوص تسری رأی داوری به دایره‌ی شمول اعتبار امر قضاوت شده تقریباً یکسان می‌باشد، ولی از حیث اعتبار رأی مذکور اختلافاتی به چشم می‌خورد؛ برخی عقیده دارند که رأی داوری عمل قضایی نیست، چراکه از طرف فرد فاقد سمت عمومی صادر شده است. به همین جهت، ماده‌ی ۴۸۶ قانون آیین دادرسی مدنی بیان می‌نماید که هرگاه طرفین رأی داور را به اتفاق و به طور کلی و یا قسمتی از آن را رد کنند، آن رأی در قسمت مردود بلااثر خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

ماده ۴۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی اشاره به حکم داوری نموده و لذا، به طور ضمنی تصمیم اخذ شده توسط داور، به مثابه حکم قاضی تلقی شده است. حقوقدانان نیز بیان داشتند که پس از قطعیت رأی داور دادگاه به علت بی‌حقی خواهان می‌بایست حکم به ضرر مدعی صادر نماید (شمس، ۱۳۸۷: ۲/۵۵۷). از طرفی، با قطعی شدن رأی داوری مطابق قواعد آیین دادرسی مدنی باید مفاد آن به اجرا درآید و لذا، ادعای خلاف آن در دعوایی دیگر ممنوع است (خدابخشی، ۱۳۹۱: ۳۹۳).

در مخالفت با این موضع، حقوقدانان ایرانی توسعه‌ی مدلول بند ۶ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی را جایز ندانسته و تنها تصمیم صادره از دادگاه را حکم قضایی می‌دانند که



در شمول اعتبار امر مختوم قضایی راه دارد. توجه به اعتبار اجرای رأی داوری که مضمون از اعتراض باقی مانده است و با درخواست ذینفع دادگاه را تکلیف به صدور اجراییه می‌کند، مؤید قطعیت و لازم‌الاجرا بودن رأی مذکور می‌باشد و از حیث اثر دفعی اعتبار امر قضاوت شده، دیگر دعوایی با همان مضمون قابل استماع نیست.

به نظر می‌رسد با التفات به فلسفه اعتبار امر مختوم قضایی عدم پذیرش داوری در دایره‌ی شمول اعتبار مذکور، موجب تزلزل این نهاد به عنوان مرجع رفع خصومت بر مبنای حکمیت است و برخی از مواد قانونی در این خصوص به طور ضمنی اشاره به همین مطلب دارند. مثلاً، مواد ۴۹۰-۴۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی صحبت از مواردی دارند که داوری از ناحیه دادگاه بوده و در حالت اعتراض رسیدگی به اصل دعوا تا قطعیت بطلان رأی داوری متوقف می‌ماند. بنابراین، باید گفت وقتی قانونگذار به طور ضمنی اشاره به حکم داوری می‌نماید و همچنین، باب اعتراض به رأی داوری را برای مدعی باز گذاشته و از سوی دیگر، به قطعیت آن در صورت عدم اعتراض اشاره نموده است، پذیرش دعوایی با همان مضمون خود خلاف اهداف مبنایی قانونگذار از تقنین نهاد اعتبار امر مختوم قضایی می‌باشد و این در حالی است که توجه مقنن به اختلافات ناشی از این امر تا حدی دقیق بوده که مسیر تقاضای بطلان رأی داوری و عدم استفاده از این راهکار، لازم‌الاجرا بودن مفاد رأی را می‌رساند و این لازم‌الاتباع بودن نمی‌تواند در مقابل نظم عمومی جامعه باشد. لکن، این امر باید به صورت صریح توسط مقنن ایرانی بیان شود.

۲-۲-۲. میانجی‌گری، مذاکره و مصالحه

میانجی‌گری از زیرمجموعه‌های دیگر فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه محسوب می‌شود. اگرچه داوری رایج‌ترین نوع فرایند حل اختلاف بوده است، لکن به لحاظ افزایش هزینه و روند طولانی‌تر رسیدگی و تا حدودی سطح رسمی داوری، تمایل به میانجی‌گری به لحاظ آماری درصد بیشتری دارد (موتو و ویلار، ۲۰۱۴: ۳۱).

در تعریف میانجی‌گری آمده: فرایندی داوطلبانه است که طرفین برای دستیابی به توافق در موضوع منازعه به کمک یک واسطه در تلاش هستند (موتو و ویلار، ۲۰۱۴: ۳۴)؛ که شامل



میانجی‌گری قبل از شروع دادرسی از طریق دادگاه یا میانجی‌گری ضمیمه دادگاه می‌باشد و واسطه به جای ارائه نظرات خود، تمایل به رونده مذاکره را ایجاد می‌نماید و با در نظر گرفتن گزینه‌های دیگر به اجماع^۱ در خصوص یک موضوع به توافق می‌رسند (میستلیس، ۲۰۰۳: ۱۴-۱۶؛ کروکی، ۲۰۱۶: ۳۱-۳۲). مزایای ویژه میانجی‌گری علاوه بر کم‌هزینه بودن و صرفه‌ی زمانی،^۲ کنترل طرفین در یک سطح بالا و تقویت امنیت قانونی آنها است (موتو و ویلار، ۲۰۱۴: ۳۴). عدم الزام‌آوری و نهایی بودن میانجی‌گری، در کنار تبعیض یا نقض حقوق افراد و عدم تعادل قدرت، مهم‌ترین معایبی است که برای آن مطرح شده است (کروکی، ۲۰۱۶: ۳۵).

مذاکره یک نوع دیگر از فرایندهای حل اختلاف می‌باشد که در آن، یک طرف با طرح جزئیات شکایت و پیشنهادهای در خصوص حل اختلافات فی‌مابین روند حل اختلاف را شروع می‌کند.^۳ به عبارتی، طرفین به طور ارادی سعی در حل و فصل نزاع با استفاده از طیف وسیعی از تکنیک‌ها و امتیازات برای مصالحه تا اجبار و تقابل دارند و این روش می‌تواند بدون حضور و کلا صورت پذیرد و صرف نظر از مقرون به صحت بودن، از لحاظ انعطاف‌پذیری به لحاظ تعیین برهه زمانی توسط اصحاب دعوا طرفدار بیشتری دارد (کروکی، ۲۰۱۶: ۲۸). اما در مقابل عدم وجود یک ثالث بی‌طرف، احتمال رسیدن به توافق را کاهش می‌دهد، علاوه بر اینکه آزادی طرفین برای تعیین قوانین و ماهیت خصوصی مذاکره باعث می‌شود که سابقه‌ای در دسترس باقی نماند (مرجع پاورقی صفحه قبل می‌باشد).

یکی دیگر از روش‌های حل اختلاف خارج از دادگاه مصالحه نام دارد که در آن یک شخص ثالث دخالت دارد. نقش شخص مزبور در مقابل داور پررنگ‌تر است، زیرا راه‌های حل و فصل اختلاف را بر پایه‌ی توافق مورد بررسی قرار داده و به آن سمت پیش می‌برد. به عبارتی،

1. British Dictionary definitions for mediation' URL: 8 <http://dictionary.reference.com/browse/mediation> accessed on 17/3/2015
2. The Advantages of Mediation' URL : http://www.constructiondisputes-cdrs.com/advantages_of_mediation.htm accessed on 17/3/2015
3. Advantages & Disadvantages of ADR' URL. 10 : <http://www.lawteacher.net/free-law-essays/contract-law/advantages-and-disadvantages-of-mediation-adr-contract-law-essay.php> accessed on 19/3/2015



مداخله‌گر یا مصالح، ضمن حذف جنبه‌های فردی تنازع، روند رفع اختلاف را بر اساس امیدواری به اثرات توافق هدایت می‌کند. ماهیت غیررسمی مصالحه مانع بروز احساسات و غلبه‌ی ناآرامی بر روند حل و فصل اختلاف می‌شود و شفاف‌سازی شخص ثالث بدون وجود بار روانی می‌تواند طرفین را به اهداف بهتری سوق دهد. معایب این روش فقدان ضمانت اجرایی در صورت عدم پایبندی یک طرف و عدم تخصص یا مهارت شخص ثالث در ایجاد یک توافق نامطلوب است (دوری، ۱۹۸۶: ۷).

در حقوق ایران در خصوص تفکیک مصادیق حل اختلاف معیار مشخصی وجود ندارد؛ با این توضیح که معنای کلی تراضی در ایران به صلح و سازش ختم می‌شود و اصول بنیادینی در خصوص طبقه بندی مذاکره، از میانجی‌گری یا مصالحه وجود ندارد. تنها روش‌های کاربردی مانند مراجعه به مؤسسات حقوقی یا داوری و یا استفاده از دادگاه یا شورای حل اختلاف برای رسیدگی به درخواست سازش وجود دارد. داوری بدون مراجعه به دادگاه و یا اجبار قانون و توسط مؤسسات حقوقی داوری نیز به نوعی هم‌ردیف میانجی‌گری در فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه شناخته شده است.

ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی اشاره به استرداد دعوا پس از ختم مذاکرات در جلسه رسیدگی دارد که به نوعی این مطلب مؤید مسامحه مقنن ایرانی از حیث ترغیب به سازش می‌باشد. در مواد ۱۸۶ تا ۱۹۳ همین قانون و همچنین، قانون مربوط به شوراهای حل اختلاف صحبت از میانجی‌گری و مصالحه در قالب کلی تشویق طرفین به صلح شده است. گزارش اصلاحی یک نمونه از راهکارهای دستیابی به صلح و سازش است که در کشور ما بدون انتساب آثار و اعتبار حکم به آن، وجه شباهتی در اجرای مفاد مورد مصالحه مطابق آرای قضایی وجود دارد.

حقوقدانان نظام کامن‌لا عقیده دارند این ایده که امر مختوم قضایی یکی از دکترین حقوق عرفی مبتنی بر سیستم ترافعی است، بر اثر تحولات روشنفکرانه باید مدت‌ها قبل از بین می‌رفت، و همین امر باعث شده که امر قضاوت شده محدود به فرایندهای حل اختلاف شناخته شده قضایی نباشد، چنانکه بسیاری از کشورها داوری را در شمول اعتبار موصوف پذیرفتند. لکن، ماهیت ترافعی حاکم بر قوانین عرفی نظام کامن‌لا، گاهی دارای جنبه



سخت‌گیرانه‌تری در سایر موارد است. اصول و قواعد حاکم بر ادله‌ی اثبات دعاوی در برخی از کشورهای سیستم حقوق عرفی به ندرت برای مصادیق دیگر فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه جاری است. این نظریه از آنجا تقویت می‌شود که امر مختوم قضایی به عنوان یک قاعده‌ی ماهوی قدرت‌نمایی کرده است (استوارت، ۲۰۱۶: ۱۶).

استفاده از سازوکارهای غیرقضایی در بیشتر مصادیق فرایندهای مزبور مانند مصالحه، مذاکره، یا میانجی‌گری، تنها این مزیت را دارد که دامنه‌ی حل اختلاف اصحاب دعوا وسعت بیشتری نسبت به نظامهای رومی ژرمنی دارد و این باعث می‌شود که اختلافات کمتری به سیستم قضایی برای حل و فصل کشیده شود و به تبع بررسی امر قضاوت شده نیز مصادیق مشابه کمتری خواهد داشت. اما از آنجا که قواعد حاکم بر قوانین ماهوی در نظام کامن‌لا دارای ارزش ویژه‌ای است که اعتبار امر مختوم یکی از آنها است، تسری دایره‌ی شمول آن به فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه، بجز داوری تقریباً موافق بسیار کمی دارد، علت واضح است؛ زیرا معایب و مزایای مطرح شده برای این گونه مصادیق مانند حکم قضایی موجب نظم و تعادل پایاپای در جامعه نخواهند بود.

دایره‌ی شمول اعتبار امر مختوم قضایی به گزارش اصلاحی در حقوق ایران محل اختلاف است. برخی از حقوقدانان گزارش اصلاحی را یک قرارداد واقعی دانسته که بدون قبول طرف مقابل حتی در نزد دادرس و با فرض وجود ایجاب قابل تحقق نمی‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۲۸). موافقان این نظریه به صراحت بیان کردند تنظیم گزارش اصلاحی عمل قضایی نیست و قابلیت‌های حکم چون اعتراض به طرق عادی و فوق‌العاده را دارا نمی‌باشد (محسنی، ۱۳۹۱: ۵۵۵).

استدلال مؤلفان مذکور بر این مبنا است که طرفین سازش می‌توانند ابطال گزارش اصلاحی را به لحاظ مخالفت با نظم عمومی، اشتباه یا اکراه از دادگاه بخواهند، در حالی که در خصوص حکم صادر شده از دادگاه این امر منتفی می‌باشد و متن ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی تنها به جهت اجرایی، گزارش اصلاحی را مانند احکام تلقی کرده است (محسنی، ۱۳۹۱: ۵۵۵؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۴/۳۰۷۴). از طرفی، گزارش اصلاحی ویژگی‌های خاص حکم قضایی را ندارد (ابهری، ۱۳۹۱: ۱۶۴).



البته، در مقابل برخی با صلح دانستن قالب اصلی گزارش اصلاحی عقیده دارند که گزارش اصلاحی اگر قاطع دعوا باشد، یک حکم اعلامی بر تحقق عقد صلح مزبور است و دارای اعتبار امر مختوم هست (به نقل از جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۴/۳۰۷۴). همچنین، استفاده‌ی طرفین گزارش اصلاحی از شرایط اجرایی حکم قضایی خود استدلال دیگر موافقان نظریه‌ی حکم دانستن گزارش اصلاحی است، به نحوی که در نظریات مشورتی و استناد به ماده‌ی دو قانون اجرای احکام مدنی برای صدور اجراییه، این موضع را تقویت می‌نماید (نظریه‌ی مشورتی شماره ۷/۱۴۴۶ مورخ ۱۳۸۳/۰۴/۲۷ اداره حقوقی قوه قضاییه).

بنابراین، نظریه‌ی غالب در حقوق ایران صرف نظر از رویه‌ی بینابین دو دیدگاه موافق و مخالف، مبتنی بر این است که گزارش اصلاحی در رویه‌ی قضایی و همواره در قالب قرارداد قضایی مورد شناسایی قرار گرفته است و شکل دیگر آن از حیث صدور رأی حیل‌های موضع ثابتی ندارد (شمس، ۱۳۸۲: ۲۸۵-۲۸۷). لکن، اگر کیفیت تراضی طرفین به نحوی باشد که دادگاه یک حکم واقعی مشتمل بر توافق آنها و حاوی اسباب موجهه و منطوق صادر کند، می‌توان قائل به شمول آن در دایره‌ی اعتبار امر قضاوت شده، دانست.

نتیجه‌گیری

اعتبار امر مختوم قضایی مورد پذیرش اکثر کشورها با سیستم حقوقی کامن‌لا و همچنین، حقوق رومی ژرمنی ایران می‌باشد که در راستای حفظ نظم عمومی و جلوگیری از طرح دعاوی مجدد پایه‌گذاری شده است. وجه اختلاف بین دو سیستم حقوقی در این است که شروطی چون وحدت سبب و موضوع، به منزله‌ی یک بخش مستقل و حائز اهمیت در تحقق اعتبار امر مختوم قضایی در نظام کامن‌لا جایگاهی ندارد؛ بلکه، تحت عناوین جداگانه استاپل علت و موضوع در زیرمجموعه‌ی آثار اعتبار امر مختوم قضایی جای گرفته‌اند که این خود گستره‌ی دعاوی مجدد را برای بررسی از حیث شمول اعتبار امر قضاوت شده، کاهش می‌دهد. در حالی که در حقوق ایران به دلیل وجود سبب‌های متفاوت برای دعاوی همواره امکان طرح دعاوی مجدد به استناد سبب دیگر وجود داشته است.

در خصوص فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه، نظام حقوقی کامن‌لا پیشرو است و با



وجود مصادیق فراوان چون داوری، میانجی‌گری، مذاکره و مواردی چون ارجاع به کارشناس و غیره، احتمال ورود طرفین اختلاف را به دادگاه تا حد چشمگیری کاهش داده است. علت هم در مزایای متعدد این روشها برای حل اختلاف طرفین می‌باشد؛ از جمله اینکه کم‌هزینه هستند و زمینه اعتماد بیشتری ایجاد می‌کنند. فرایندهای مذکور در حقوق ایران بسیار محدود و استفاده از آنها شایع نیست. درخواست سازش و صدور گزارش اصلاحی، هم‌چنین داوری گاهی به عنوان یک موضوع تحمیل شده به طرف مقابل، برای خاتمه اختلاف به حساب می‌آید و نه روشی برای جلوگیری از گسترش دعاوی به دادگاهها.

درباره‌ی تحقق اعتبار امر قضاوت شده همواره صحبت از وجود یک حکم قضایی قطعی در هر دو سیستم حقوقی شده است. بحث شمول اعتبار موصوف به فرایندهای خارج از دادگاه و توجه به تأثیرات مثبت این روشها در جامعه، دیدگاههای متفاوتی را پدید آورده است. با این وجود، اختلاف عقیده‌ها، داوری در هر دو نظام حقوقی به علت مبانی پذیرش آن، به مثابه‌ی حکم قضایی تلقی شده و به دایره‌ی شمول اعتبار امر مختوم قضایی راه یافته است. سایر فرایندها چون میانجی‌گری، مذاکره و مصالحه در نظام کامن‌لا تقریباً شرایط یکسانی با درخواست سازش منجر به صدور گزارش اصلاحی در ایران دارند و به طور نادر هم‌ردیف حکم قضایی قرار می‌گیرند. اما گاهی در نظام حقوقی ایران دیده شده که در رویه‌ی قضایی گزارش اصلاحی سابق در دعاوی جدید موجب صدور حکم بر اساس اعتبار امر مختوم قضایی شده که البته، رایج نیست و این موضوع در نظام حقوقی کامن‌لا مصداقی ندارد. ولی این امر باعث نمی‌شود تا مزایای فراوان استفاده از این روشها که با زیرساخت‌های مبنایی و هدفمند در نظام کامن‌لا خودنمایی می‌کند، مورد توجه نباشد.

عدم پیچیدگی شرایط و ارکان اعتبار امر قضاوت شده از حیث بررسی اتحاد سبب و موضوع در سیستم حقوقی کامن‌لا، مصادیق دعاوی مجدد را محدود کرده است. علاوه بر اینکه شیوع اقسام فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه، خود مانع بزرگی بر سر به وجود آمدن ادعاهای جدید در قالب دعوا می‌باشد. همچنین، نتیجه‌ی حاصل شده از بکارگیری فرایندهای مذکور در نظام کامن‌لا بر اساس زیرساخت‌های آموزشی و فرهنگی به نحوی است که به اندازه یک حکم قضایی، واجد احترام شده‌اند، اگرچه ممکن است ضمانت اجرای واقعی را نداشته باشند.



به نظر می‌رسد قانونگذار ایرانی می‌بایست به طور صریح در خصوص وضعیت مواردی چون داوری و گزارش اصلاحی از حیث تسری به دایره‌ی اعتبار امر قضاوت شده، اظهار نظر نماید تا موجب جلوگیری از تحمیل هزینه‌ی گزاف بر پیکره‌ی سیستم قضایی و اختلاف سلیقه در صدور آرا شود. از طرفی، با بهره‌گیری از نقاط قوت نظام کامن لانیز در تقویت فرهنگ گرایش به فرایندهای حل اختلاف خارج از دادگاه گام بردارد تا ورود به دادگاه آخرین مرحله رسیدگی به اختلاف باشد و زیرساخت‌های این نوآوری را که کم‌هزینه‌تر نسبت به دستگاه قضا می‌باشد، فراهم نماید. هم‌چنین، تعدیل در شرایط اعتبار امر مختوم قضایی و با وجود بررسی همه‌جانبه‌ی مزایا و معایب آن می‌تواند بار سنگین دعاوی مطرح شده مجدداً از دوش دادگاه‌ها بردارد.

تشکر و قدردانی

در پایان تحقیق بر خود لازم می‌دانیم از تمام کسانی که در انجام این مطالعه ما را یاری کردند، به ویژه گروه دبیران و اساتید ارزیاب محترم فصلنامه علمی مطالعات بین‌المللی پلیس، تقدیر و سپاسگذاری به عمل آوریم.



فهرست منابع

فارسی و عربی:

- ابهری، حمید (۱۳۹۱). *آیین دادرسی مدنی جریان دادرسی از آغاز تا پایان*، بابلسر، انتشارات دانشگاه مازندارن، چ ۱.

- امامی، حسن (۱۳۷۴). *حقوق مدنی*، تهران، انتشارات اسلامیه، ج ۶.

- امیر معزی، احمد (۱۳۷۸). *داوری در دعاوی بین‌المللی بازرگانی*، تهران، نشر دادگستر، چ ۱.

- جعفری لنگردودی، محمدجعفر (۱۳۷۲). *دانشنامه حقوقی*، تهران، انتشارات امیر کبیر،

چ ۲، ج ۵.

- جعفری لنگردودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش، چ ۳، ج ۴.

- حائری حسینی، سید کاظم (۱۴۱۱ ه.ق). *القضاء فی الفقه الاسلامی*، قم، موسسه اهل بیت، چ ۳.

- خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۱). *حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی*، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- زراعت، عباس (۱۳۸۴). *قانون آیین دادرسی در نظم حقوق کنونی*، تهران، انتشارات خط سوم، چ ۲.

- شمس، عبدالله (۱۳۸۲). *آیین دادرسی مدنی*، تهران، نشر میزان، چ ۴، ج ۳.

- شمس، عبدالله (۱۳۸۷). *آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته*، تهران، انتشارات دراک، چ ۱۹، ج ۱.

- شمس، عبدالله (۱۳۸۷). *آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته*، تهران، انتشارات دراک، چ ۱۴،

ج ۲.

- شهید ثانی، زین الدین بن نورالدین علی بن احمد عاملی جُبعی (۱۴۱۱ ه.ق). *الروضه*

البهیة (شرح لمعه)، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۳.

- طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم (۱۳۳۹ ه.ق). *کتاب القضاء فی عروه الوثقی*، نجف.



انتشارات حیدریه

-فرخزادی، علی اکبر (۱۳۷۹). معرفی اجمالی اصول بنیادین در دادرسی اسلامی، دیدگاه‌های حقوقی، پاییز و زمستان، شماره ۱۹ و ۲۰.

-کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی، تهران، نشر میزان، چ ۹.
-متین دفتری، احمد (۱۳۷۸). آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران، انتشارات مجد، چ ۱، ج ۱.

-محسنی، حسن (۱۳۹۱). مفهوم مرجع قضایی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۱.
-محمدی، م. (۱۳۹۳). طواری رسیدگی از طریق داوری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد.
-مدنی، سید جلال الدین (۱۳۷۹). آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب، تهران، انتشارات پایدار، چ ۱، ج ۲.

-موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا (۱۴۱۳ ه.ق). کتاب القضاء، قم، دار القرآن الکریم، چ ۴.
-مهاجری، علی (۱۳۸۶). مبسوط در آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات فکرسازان، چ ۴، ج ۱.

-نیازی، عباس (۱۳۹۰). اعتبار امر قضاوت شده در رأی داور، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۵.

سایتهای اینترنتی:

-Advantages & Disadvantages of ADR' URL : <http://www.lawteacher.net/free-law-essays/contract-law/advantages-and-disadvantages-of-mediation-adr-contract-law-essay.php> accessed on 19/3/2015

-Advantages And Disadvantages Of Mediation Over Litigation' URL: <http://www.ukessays.com/essays/law/advantages-and-disadvantages-of-mediation-over-litigation-law-essay.php> accessed on 18/3/2015

-British Dictionary definitions for mediation' URL: <http://dictionary.reference.com/browse/mediation> accessed on 17/3/2015



-English Definition of Arbitration' URL: <http://dictionary.cambridge.org/dictionary/british/arbitration> accessed on 21/3/2015

-The Advantages of Mediation' URL: http://www.constructiondisputes-cdrs.com/advantages_of_mediation.htm accessed on 17/3/2015

-The Advantages of Mediation' URL: http://www.constructiondisputes-cdrs.com/advantages_of_mediation.htm accessed on 17/3/2015

کتاب و مقالات انگلیسی:

-Barnett, Peter .Robert. (2001). **Res Judicata, Estoppel and Foreign Judgments**, Oxford: Oxford University Press.London.

-Bower, George Spencer & Turner, Alice K. (1969). **The Doctrine of Res Judicata**, London: Buttenvorths, 2d edn.

-Cheng, B., (1987). **General Principles of Law as Applied by International Courts and tribunals**, Cambridge: Grotius Publications Limited.

-Curzon, L.B., (2002). **Dictionary of Law**, Edinburgh: Pearson Education Limited, 6th edn.

-dalla Massara, Tommaso (2015-2016). **Definition of the res iudicata effects of foreign arbitral awards in a perspective of european private law**, università degli studi di verona,Laureando: Jakob Tasser VR352358.

-Dra. Dra. h.c. Silvia Barona Vilar; Carlos Esplugues Mota, (2014). **“ADR mechanisms and their incorporation into global justice in the twenty first century: some concepts and trends1”**, University of Valencia (Spain).

-Draft version (2014). **Article to be published in: Carlos Esplugues and Silvia Barona (eds.) Global Perspectives on ADR**, Cambridge, intersentia.,

-Handley, K.R. (2009). **Res judicata**, 4 th ed., lexis Nexis, london.

-Isaak Ismail Dore (1986). **‘Arbitration and conciliation under the UNICITRAL rules: a textual analysis’** (MartinusNijhoff Publishers).

-Jackson, R.M. (2010). **Review to Litigation Cost: Final Report 1st end**, The Stationery Office.



- Kariuki Muigua (2016). “**Alternative Dispute Resolution**”, Glenwood Publishers Limited, Nairobi, Nairobi, Kenya.
- Martin, E.A.& Law,J. (2006). **A Dictionary of Law**, Oxford University Press, 6th edn.
- Martine-Fraga Pedro J.& Samra, Harout Jack, (2012). “**The Role of Precedent Defining Res judicata in Investor- State Arbitration**”, 32 Northwestern Journal of International Law & Business, U.S.A.
- Maynard E. prising, (1944). “**Merger by Judgment**”, University of Minnesota Law School, Minnesota Law Review, 1934.
- Mistelis. Loukas, A., (2003). “**ADR in England and Wales: A Successful Case of Public Private Partnership,**” Professor of Transnational Commercial Law and Arbitration; Director of Studies, School of International Arbitration, Queen Mary, University of London, UK.
- Monyei, E.C. (2018). **ADR: the emerging face of dispute resolution within the ambits of the law**, faculty of law, university of benin, benin city, Nigeria.
- Moschzisker, Robert V. (1929). “**Res judicata**”, 38 YALE Law Journal. U.S.A.
- R. Viswanathan vs Rukn-UI-Mulk Syed Abdul Wajid, (1962). **Supreme Court of India**, dehli.
- Rajoo, S. (2010).”**Institutional and Ad Hoc Arbitrations: Advantages and disadvantages**” (The Law Review, Sweet& Maxwell Asia).
- Robert, M. (1993). “**Res Judicata and Collateral Estoppel Effect of Prior, Arbitration Orders: What Impact on Subsequent Arbitrations?**”.
- Silja, Schaffstein. (2012). **The doctrine of res judicata before international arbitral tribunals**, PHD THESIS, University of London.
- Slapper G. & Kelly, D. (2014). “**The English Legal System**”, 15th edn, Routledge, London.
- Stuart, Sime. (2016). **Res Judicata and ADR**, City University, London.
- Sutton, David S t.John (1997). **Russel on Arbitration**, First Published, Sweet &Maxwell, London.

-Westerlind, James M. (2010). “**The Preclusive Effect of Arbitration Awards**”,
Mealey’s Litigation Report, Vol. 21.

-Wong, Jarrod (2005). “**Court or Arbitrator– Who Decides Whether Res
Judicata Bars Subsequent Arbitration under the Federal Arbitration Act**”,
Vol: 46, Santa Clara L. Rev. 49.

-Zekos, G. I. (2008). “**International Commercial and Marine Arbitration**”,
First Edition, Routledge-Cavendish.

